جای خالی تدبیر در حوزه کار و کارگری

اشاره:

کارگران و اتحادیه های کارگری در تاریخ پرفراز و نشیب ایران نقش پررنگ و غیرقابل چشم پوشی داشته و دارند. از تلاش بی نظیر کارگران در جنبش ملی شدن صنعت نفت گرفته تا کوبیدن آخرین و مهم ترین میخ بر تابوت نظام شاهنشاهی در جریان اعتصابات پی در پی کارگری که منجر به پیروزی قطعی انقلاب اسلامی ملت ایران شد. اما این پایان مسیر وفاداری جنبش های کارگری به ملت و خاک ایران نیست. جسارت و شجاعت مثال زدنی کارگرانی که در روزهای سخت جنگ تحمیلی و ایام مبارزه با دژخیمان بعثی رنگ غیرت و مردانگی بر چهره خاکریزهای دفاع از اسلام و انقلاب نشاندند فراموش نشدنی است.با این همه، آنچه در شأن این قشر خدوم و بی‌ادعاست در ادوار مختلف به درستی دیده نشده و عملاً شاهد دلخوری‌هایی هستیم که قرار بود در دولت تدبیر و امید از آنها کاسته شده و راه‌حلی برایشان ارائه شود. با گذشت یک سال از عمر این دولت، چقدر به این مهم پرداخته شده است؟

دشمنان قسم خورده "وحدت کارگر و انقلاب" تاکنون تلاش بسیاری برای قفل زدن بر دست و بازوی توانمند کارگران با انگیزش‌های حزبی، سیاسی و غیر اسلامی نموده اند چرا که خوب می دانند بدون تکیه بر دست و بازوی پرقدرت کارگر ایرانی، کار انقلاب یکسره است. به همین جهت بود که در جریان فتنه آمریکایی-اسرائیلی ۸۸، گروهی از شاگردان جین شارپ، تئوریسین بزرگ انقلاب های مخملی، کوشیدند با شبیه سازی حوادث منجر به انقلاب اسلامی، با سوءاستفاده از نارضایتی بحق بخشی از قشر کارگر، عقبه اجتماعی نظام جمهوری اسلامی را تحریک به ایجاد اعتصابات گسترده کارگری نموده و نظام را از درون وادار به تسلیم نمایند.

تلاش سازمان یافته ضد کارگری

رهبر انقلاب این مسیر را چنین توصیف می نمایند: "یکی از کارهای مهم این قشر [کارگران]، مبارزه با کسانی بود که می‌خواستند کارخانه ها و کارگاه ها را به تعطیلی بکشانند. یقیناً بعضی از شما می دانید که بسیار سعی و تلاش شد که جمهوری اسلامی با اعتصاب‌های کارگری مواجه شود. چه کسانی در مقابل این‌ها ایستادند؟ خود کارگران،... این‌ها پیش خدا بسیار اجر و قیمت دارد. امروز هم همین طور است. امروز هم انسان زمزمه‌هایی را می شنود که به مناسبت فلان مسئله، فلان قانون، فلان بهانه، عده‌ای سعی می کنند، یا بعضی از مراکز تلاش سازمان یافته می کنند، شاید بتوانند به نحوی بدنه کارگری کشور را فلج کنند! می دانید چه بر سر کشور می آید؟ آن ها این را می خواهند. آن ها حقوق کارگر را دنبال نمی کنند. سعی آن ها این است که این راه سختی را که امروز دولت و مسئولان در پیش دارند و عرق ریزان و تلاش کنان و با توکل به خدا در مقابل این همه توطئه متراکم - محاصره های اقتصادی، خباثت های استکبار جهانی، کارشکنی ها، مانع تراشی ها - پیش می روند، متوقف کنند. چگونه ؟ نگذارند کار در کشور باقی بماند و بدنه کارگری را از کار منفک کنند تا فلج شود. اگر در جامعه رونق اقتصادی نباشد، اگر تولید کار و تولید ثروت نباشد از جمله کسانی که در درجه اول بیشترین صدمه را خواهند دید، باز هم همین قشرهای مستضعف و محروم و بخصوص قشرهای کارگری هستند. دشمن این را می خواهد."

پشتوانه عظیم کارگری

هدف از مرور خدمات قشر کارگر به انقلاب و نظام جمهوری اسلامی یادآوری این موضوع مهم به مسوولان کشورمان است که تلاش برای حفظ چنین سرمایه عظیمی در حقیقت نوعی ادای دین ایرانیان به پشتوانه های اقتصادی-اجتماعی جامعه درونی محسوب می شود.

اگر نگاه مدیران جامعه ایرانی به سمت "سرمایه سالاری" قشر کارگر تصحیح شود در آن صورت تلاش برای حفظ و نگاه داری از چنین ثروت عظیمی با تئوری های خانمان برانداز نظام بی مایه لیبرال سرمایه داری به فردا و پس فردا موکول نخواهد شد و طرح‌هایی همچون جذب سرمایه گذاران خارجی در وزارت کار بر ارائه خدمات اجتماعی به حوزه کارگری ترجیح نخواهند یافت.

رهبر انقلاب در مذمت نگاه سرمایه داری در حوزه کار می فرمایند: "امروز هم اگر ما دنبال توسعه اقتصادی هستیم، باید کار را تقویت کنیم؛ بدون کار نمی شود. مرتب صحبت از سرمایه گذاری است. بنده نقش سرمایه گذاری را قبول دارم؛ بدون سرمایه گذاری هم کاری صورت نمی گیرد؛ اما سرمایه گذاری یک رکن کار است؛ رکن اساسی کار کارگر است. کاری که از روی دلسوزی، از روی کاردانی، با پیگیری و با قبول شرایط دشوار همراه نباشد، نمی تواند کشو را نجات دهد."

*** در شرایطی که دشمنان قسم خورده جمهوری اسلامی مجموعه بسته های انقلاب خشونت پرهیز کارگران را با رونویسی از تجربیات کلاسه شده در چین و چکسلواکی و لهستان و آلمان شرقی در فضای مجازی و میان انجمن های مخفی تدریس می نمایند، مقابل چشم وزیر کار دو تشکل دانشجویی به اسم حمایت از کار و کارگر به بازسازی ساختاری درونی اقدام ورزیده اند!**

با برنامه اما بی ثمر!

یک سال اول مدیریت علی ربیعی، بر وزارتخانه کار، تعاون و رفاه اجتماعی بدون ثبت و ضبط ثمراتی مشهود در حوزه کار و کارگر به پایان رسید. هر چند بنا بر برنامه های اعلامی، طرح های مناسبی همچون "مسکن امید" کارگران در صورت اجرا خواهند توانست در فاصله زمانی ۵ ساله، سه تا شش میلیون کارگر را صاحب خانه کنند. البته بنا بر اطلاعات جمع آوری شده طرح مذکور کماکان در مرحله مطالعاتی است و به نظر نمی رسد عمر دولت یازدهم به اجرای آن قد دهد.

در حوزه رفاه اجتماعی نیز متاسفانه شاهد هستیم به علت بی قانونی های گسترده، بخش‌هایی در بدنه کشور، عملا به صورت عامدانه طرح گسترش میزان نارضایتی کارگران از سیستم را دنبال می کنند. عدم پرداخت یارانه بخش تولید و راکد نگاه داشتن بخش ساخت و ساز مسکن با دست کم ۳ میلیون ارتزاق کننده مستقیم، مسیری است که اصلاح آن نیازمند همدلی شخص رئیس جمهور و کل هیئت دولت است. هر چند ربیعی طرح بیمه کارگران ساختمانی را به مرحله ثبت نام رساند اما در شرایطی که آمار صدور پروانه ساخت و ساز در کشور بیش از ۷۰ درصد کاهش را نشان می دهد و این بخش مهم با سرمایه ای قریب به یک سوم کل درآمد کشور فشل رها شده باید مشخص کنیم از بیمه کار کدام کارگر صحبت می کنیم؟!

بی عملی داخلی، پرکاری خارجی!

در شرایطی که دشمنان قسم خورده جمهوری اسلامی مجموعه بسته های انقلاب خشونت پرهیز کارگران را با رونویسی از تجربیات کلاسه شده در چین و چکسلواکی و لهستان و آلمان شرقی در فضای مجازی و میان انجمن های مخفی تدریس می نمایند، مقابل چشم وزیر کار دو تشکل دانشجویی به اسم حمایت از کار و کارگر به بازسازی ساختاری درونی اقدام ورزیده اند! این در حالی است که جوانان عضو تشکل‌های مذکور عمدتا هوای پایین تر از محلات شمیران و فرمانیه را تجربه نکرده اند اما با این وجود سایت هایی بدتر از تارنماهای فیلتر شده ضد انقلاب را با سوء استفاده از لوگوی تشکیلات کارگری، بدون تلاشی حقیقی برای جلب نیازهای اولیه قشر کارگر، با هزینه هنگفت اداره می کنند. مهم تر از همه این که در رزومه یک ساله وزیر کار، تشکیل بیش از ۶۰۰ تشکل کارگری و کارفرمایی جدید در سراسر کشور در راستای گسترش نهادهای مدنی به چشم می خورد! واضح است که ساختارسازی درون شبکه ای بدون عرضه خدمات درخور به زیرمجموعه خود به نوعی بسترسازی برای کلاسه شدن اعتراضاتی است که احتمال وقوع آن در صورت ادامه روند فعلی دور از انتظار نخواهد بود. نسبت چنین کار تشکیلاتی وسیعی با اندیشکده های انقلاب مخملی وابسته به "خانه آزادی" و "انجمن دموکراسی" آمریکا چیست؟ ارتباط این عضوگیری آشکار گروهکی از فضای دانشگاهی با تشکیلات حزبی منتسب به جنابعالی در کدام گلوگاه "کنش اجتماعی" پنهان شده است؟

*** نسبت چنین کار تشکیلاتی وسیعی با اندیشکده های انقلاب مخملی وابسته به "خانه آزادی" و "انجمن دموکراسی" آمریکا چیست؟ ارتباط این عضوگیری آشکار گروهکی از فضای دانشگاهی با تشکیلات حزبی منتسب به جنابعالی در کدام گلوگاه "کنش اجتماعی" پنهان شده است؟**

خلأ قانون بر ضد قانون

در مقابل این برنامه ریزی دقیق و ساختارسازی موازی بیگانگان، متاسفانه تشکیلات شوراهای اسلامی کار که بر اساس قانون موظف هستند پیگیر حقوق کارگران در کارخانه‌ها و محیط کار کارگاهی باشند به علت عدم اجرای صحیح قانون کار و عدم نظارت بر حسن اجرای قوانین، به واسطه استخدامی نبودن قراردادها عملا قادر به دفاع از حقوق کارگران به عنوان زیرمجموعه خود نیستند.

رئیس کانون شوراهای اسلامی کار البرز در توضیح این موضوع گفته است: "طبق ماده ۲۷ قانون کار، اگر قصور و دلیل موجهی از جانب کارفرما، نسبت به اخراج کارگر او را تهدید نکند، بدون تایید شورا و یا هیئت نمایندگان کارگری آن کارخانه، قائدتا نباید اخراجی انجام شود. اما کارگری که قراردادی ۳ ماهه و یا ۶ ماهه می‌بندند و خودش امنیت شغلی ندارد و نسبت به ادامه و استمرار کار خود درآن کارخانه دچار شک و تردید است چطور می‌تواند در شورای کارگری کارخانه‌ای عضو شود و نسبت به مسائل کارگری آنجا اظهار نظر کند، در صورتی که خودش نمی‌داند پس از اتمام مدت قرار دادش با او مجدد قرارداد می‌بندند یا خیر؟"

جدایی تعبیر ناپذیر

به این ترتیب عملا بخشی از نظام با هم آوردی مشکلات روزافزون قشر کارگر در کنار افزایش محرک های ناراضی ساز تعبیه شده در ساختارسازی هایی که مدیریت آن در دست دشمنان ملت و نظام است به دنبال اجرای پروسه جدایی کارگران از جمهوری اسلامی هستند.

مدیریت این فضای منفی با تلاش برای پرداخت حق و حقوق قانونی و شرعی کارگران به صورت تدریجی با حرکت به سمت اصلاح قوانین مشکل ساز و ارائه مشوق های مصوب در دوره های گذشته به حوزه تولید، حقیقتا امکان پذیر است.

بدون عمل به وعده ها و مدیریت جهادی برای حل مشکلات کارگران، رفتارهای پوپولیستی چون توزیع گسترده بنرهای حمایت از این و آن توسط نمایندگان خود دولت میان کارگران به سرعت رنگ خواهند باخت. این پایان سال اول تلاش های دولتی است که با شعار "تدبیر و امید" و قول بهبود سریع وضعیت معیشت مردم از صندوق های رای بیرون آمد. خوشبختانه فرصت خدمت همچنان باقی است!

از "کار" خبری نیست!

درباره وزارتخانه‌ای صحبت می کنیم که با دست‌کم نیمی از جمعیت کشور سر و کار دارد، افرادی که عموماً از اقشار آسیب‌پذیر جامعه محسوب می‌شوند. ملغمه‌ای که از تیر ماه ۹۰ از ادغام سه وزارتخانه رفاه و تامین اجتماعی، کار و امور اجتماعی و تعاون تشکیل شد. سازمان تامین اجتماعی، سازمان بهزیستی کشور، صندوق بازنشستگی کشور، سازمان بیمه سلامت ایران، صندوق مهر امام رضا(ع)، بانک توسعه تعاون، موسسه کار و تامین اجتماعی، سازمان آموزش فنی و حرفه ای کشور و پنج مرکز دیگر، سازمان‌های تابعه این وزارتخانه را تشکیل میدهند. در یک کلام واسطه "معیشت" جمع کثیری از مردمان مستضعف و طبقات فرودست و موثر بر گذران امورات زندگانی آن‌هاست.

درباره دستگاهی اقتصادی، بیمه‌ای، درمانی، آموزشی و اجتماعی حرف می‌زنیم که بزرگترین شرکت سرمایه‌گذاری آن، شستا، با ۳۵ هزار میلیارد تومان ارزش دارایی، حدود ۴۰۰ شرکت وابسته دارد. شرکت تاپیکو، بانک رفاه کارگران، کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران، شرکت فولاد مبارکه اصفهان، شرکت ملی صنایع مس ایران، دانشگاه علوم قضایی، نفت ایرانول، پتروشیمی جم، شرکت سرمایه گذاری خانه سازی ایران، خدمات بهداشتی درمانی میلاد سلامت تهران و گروه پزشکی حکمت از جمله موسساتی هستند که تمام یا عمده سهام آنها متعلق به شستا می‌باشد. شستا در بیش از ۱۵۰ شرکت سهامدار عمده محسوب می‌گردد و سود آن بالغ بر ۳۰۰۰ میلیارد تومان در سال است، لذا بی دلیل نیست که اولین تغییر مدیریتی از سوی ربیعی تغییر رییس سازمان تأمین اجتماعی بود.

حوزه‌های تعاون، رفاه و کار سه بخش اصلی این نهاد دولتی هستند اما به نوعی این دستگاه به عنوان مهمترین وظیفه‌اش متولی سامان بخشیدن به بازار کار کشور است. همچنان‌که اشتغال و کارآفرینی زیربنای رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی است، بیکاری گسترده نیز علاوه بر تضعیف پیکره اقتصادی جامعه، سایه شوم بحران‌های اجتماعی اعم از معضلات خانوادگی و روانی و شیوع بزهکاری و جنایت را بر سر جامعه می گستراند. گویا با همین استدلال بوده که دکتر ربیعی در ارائه برنامه‌هایش برای تصدی پست وزارت گفته بود: بنده به مدت ۲,۵ سال کشورهای هند، مالزی، کره، سنگاپور و چین را مورد مطالعه عمیق قرار داده‌ام که چگونه کشورهای تازه صنعتی شده از بحران عبور کرده‌اند، و آنچه یافتم و تنها راه عبوری که می‌توان کشور را از آن نجات داد، ایجاد شغل است و شغل است و شغل؛ و من آن را ارج می‌نهم.

بررسی آمار و ارقام عملکرد یکساله ربیعی نشان می‌دهد بخش‌های تعاون و رفاه بیش از حوزه کار مورد توجه قرار گرفته است. وی به هنگام گرفتن رای اعتماد از سوی نمایندگان مجلس شورای اسلامی، برنامه‌هایی را در حوزه رفاه اجتماعی ارائه کرد؛ فراگیر شدن بیمه‌های درمانی، اشتغال معلولان و رفع سوءتغذیه از جمله وعده‌های ایشان به نمایندگان مجلس بود. گسترش پوشش بیمه اجتماعی به اقشار مختلف از جمله خویش‌فرمایان، شاغلان پاره‌وقت و فصلی و زنان خانه دار بخش دیگری از برنامه‌های وزیر رفاه بود.

یکی دیگر از سرفصل‌های برنامه‌های ربیعی در حوزه رفاه اجتماعی اصلاح نظام بیمه سلامت کشور در چارچوب احکام قانون برنامه پنجم توسعه از طریق: یکپارچگی و انسجام در ساختار بیمه‌های سلامت-استقرار نظام ارجاع و پزشک خانواده و پرونده الکترونیکی سلامت برای همه افراد جامعه بود که بخشی از این برنامه‌ها به خوبی پیش رفت اما در مورد ادغام بیمه‌ها با چالش مواجه شد. وزارتخانه‌های بهداشت و تعاون هر دو مدعی تصاحب بیمه‌ها شده ولی هیچ یک راضی به سپردن اختیارات خود نشدند و این کشمکش همچنان باقی است. بحث پزشک خانواده نیز با اظهارات اخیر وزیر بهداشت به تازگی به مرحله اجرا نزدیک شده است.

اما شاید مهمترین دستاورد وزارت تعاون، خدمات حمایتی برای اقشار تحت پوشش بهزیستی و همچنین کمک به کاهش هزینه‌های درمانی و برقراری پوشش سراسری بیمه درمانی بود که تا اندازه زیادی هزینه‌های درمان افراد جامعه را کاهش داد. کاهش هزینه‌های سلامت در بخش بستری از ۳۷ درصد به ۱۰ درصد در چارچوب طرح تحول سلامت از جمله این فعالیت‌هاست.

از سوی دیگر علی‌رغم ادعای معاون وزیر درباره ممانعت از ریزش ۳۰۰ هزار شغل در یک سال اخیر، عملکرد این وزارتخانه در حوزه کار نشان از روند افزایشی در نرخ بیکاری دارد. طبق گزارش مرکز آمار نرخ بیکاری فصلی از پاییز سال گذشته به این سو رشد کرده و از ۱۰,۳ درصد به ۱۰,۷ درصد رسیده است. این در شرایطی است که بسته خروج از رکود دولت نیز تأثیر چندانی بر رونق تولید و بهبود وضع اشتغال نداشته است.

کارشناسان عقیده دارند نگاه غیر واقع بینانه طرح مذکور به وضعیت موجود اقتصاد کشور و تلاش افراط گونه برای کنترل تورم به قیمت تعمیق رکود باعث شده است فعالان اقتصادی روی خوشی به این بسته نشان ندهند.

وعده دیگر ربیعی در سامان بخشیدن به اوضاع کارگری، تأمین مسکن کارگری ارزان‌قیمت موسوم به "مسکن‌امید" بود. وزارت راه‌وشهرسازی اعلام کرده بود بنا دارد با اجرای طرح مسکن‌اجتماعی، سالانه ۱۵۰ هزار واحد مسکونی‌اجاره‌ای برای مستاجران دو دهک اول جامعه در قالب ساخت مسکن یا پرداخت یارانه‌اجاره‌بها، تامین کند. در همین زمینه علی ربیعی به "دنیای‌اقتصاد" گفته بود: سازمان تامین اجتماعی قصد دارد از محل منابعی که در اختیار خود دارد با وام‌هایی که به کارگران اختصاص می‌دهد، برای آنان مسکن امید یا همان مسکن ارزان‌قیمت بسازد. وزیر تعاون، کار و رفاه‌اجتماعی تأکید کرده بود: طرح ما در قالب «مسکن‌امید»، یک مسکن اجتماعی واقعی است که آسیب‌های مسکن مهر را نخواهد داشت و ما این موضوع را در برنامه سال ۹۳ گنجانده‌ایم. این در حالی است که پیگیری‌های بعدی این روزنامه نشان داد معاونت تعاون وزارت رفاه که در حال حاضر مسوولیت اصلی پیگیری مسکن‌مهر و تعاونی‌های مسکن در این وزارتخانه را برعهده دارد، از کم‌وکیف مسکن‌امید اطلاع ندارد!

اما نگاهی گذرا به ابعاد گسترده وظایف وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی این انتظار معقول را در پی دارد که باید فردی متخصص، دلسوز و آگاه به امور در رأس آن قرار گیرد. به همین خاطر بود که در جلسه رأی اعتماد به وزرای دولت، یکی از نمایندگان با بیان اینکه وزیر پیشنهادی دارای یک چهره سیاسی است، تصریح کرد: آقای ربیعی! چه تضمینی است که وزارتخانه به تصمیمات سیاسی آغشته نشود؟!

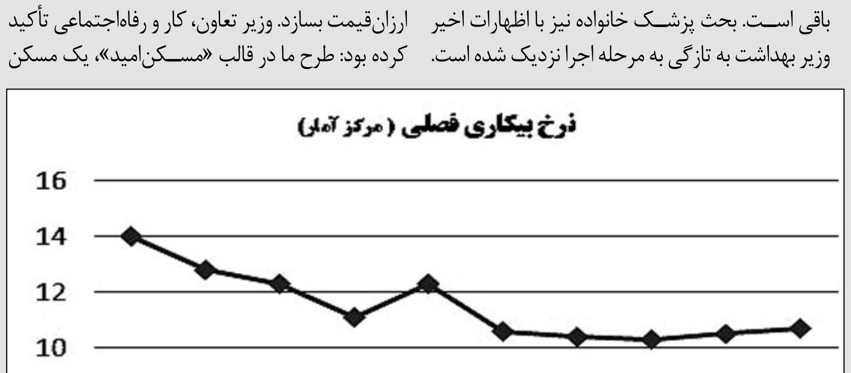

سایه سیاست مارکسیستی بر تشکلهای کارگری

جنبشهای کارگری در تاریخ اروپا از دهه ی ۱۸۳۰ به بعد در بین کارگران مزد بگیر در صنعت و تجارت و به منظور دستیابی به اهداف اقتصادی و آزادی سیاسی واجتماعی شکل گرفت. پیدایش طبقه ی کارگر صنعتی جدید حاصل انقلاب صنعتی بود. جنبش کارگری به تدریج در قالب اتحادیه ها و احزاب کارگری مختلف تشکل یافت. از آغاز میزان قابل توجهی از تشکل و خود آگاهی در جنبشهای کارگری مشهود بود.

در اوایل عصر انقلاب صنعتی طبقه ی کارگر تحت محدودیت های قانونی عمده ای قرار داشت؛ از آن جمله باید به ممنوعیت برپایی اجتماع و انجمن، محدودیت در تغییر محل سکونت و حتی منع ازدواج به علت فقر نام برد ! اصل آزادی عقد قرارداد اشتغال کارگران در آن دوران وسیله ای در دست کارفرمایان و صاحبان سرمایه برای سرکوب حرکت های کارگری بود.

احساس وحدت و همبستگی و آگاهی از موقعیت اجتماعی از همان آغاز به طبقه ی کارگر گرایش های انقلابی بخشید. برخی از جنبشهای اولیه ی کارگران در نظام صنفی نیز خصلتی ضد صنعتی و گذشته گرا داشتند. از آن جمله شورش لودیت ها در انگلستان در سال ۱۸۱۱ بر ضد گسترش شیوه ی مکانیکی تولید و شورش ابریشم‌بافان لیون در فرانسه در سال ۱۸۳۴ واکنشی در مقابل نظام جدید کارخانه ها بود.

در اروپا از دهه ی ۱۸۶۰ به بعد سوسیالیست ها و مارکسیست ها در پی ایجاد آگاهی انقلابی در بین طبقات کارگر بر آمدند و در نهایت جنبش سوسیالیسم جدید و مارکسیسم برحول جنبش کارگری شکل گرفت.

البته جنبش طبقه ی کارگر تنها دارای گرایش سوسیالیستی نبود و گرایش های سوسیال - دموکراتیک لیبرالی و مذهبی نیز در آن گسترش یافت. با این حال اغلب رادیکال ها تنها جنبه ی سوسیالیستی این جنبش را به رسمیت می شناختند و دیگر اشکال آن جنبش را گرایش های خرده بورژوایی و توطئه ای برای سلب توجه کارگران از مبارزه ی طبقاتی به شمار می آوردند.

با یک نگاه مارکسیستی، جنبش کارگری جنبش طبقه ای است که از نقش تاریخ ساز خود در ایجاد سوسیالیسم آگاهی دارد؛ به این معنی طبقه ی کارگر نه تنها دارای آگاهی صنفی و سیاسی و اقتصادی ست، بلکه تنها طبقه ای است که می تواند آگاهی تاریخی نیز داشته باشد و به موجب کار خلاق خود جهان بورژوایی را در هم نوردد.

به تدریج مارکسیسم به ایدئولوژی غالب در درون جنبش های کارگری درآمد. مارکس و انگلس اتحادیه‌های کارگری انگلستان را نوعی سازمان پرولتاریایی می دانستند. به نظر آنها اتحادیه های کارگری « مرکز سازماندهی طبقه ی کارگر» بودند و کوشش برای افزایش دستمزد ها به وسیله ی آنها اقدامی مثبت به شمار می رفت.

تشکیلات سوسیالیستی یا اتحادیه های کارگری ؟

اتحادیه های کارگری سازمان های اصلی جنبش کارگری بودند که عمدتاتا تحت تاثیر سوسیالیسم، نخست در اروپای غربی و سپس در دیگر کشور های صنعتی یا نیمه صنعتی گسترش یافتند. هدف اولیه آنها مبارزه با فقر ناشی از شرایط تکوین سرمایه داری، بی عدالتی اجتماعی و سرکوب سیاسی بود. بویژه اصلاح نظام دست مزدها که مهم ترین ویژگی ساخت نظام سرمایه داری است، از اهداف عمده ی این سازمان ها بود. نخستین مشاجرات سازمان یافته ی کارگران در درون اتحادیه ها بر سر مسائل مربوط به کار، دستمزد و شرایط کار بروز کرد. جلوگیری از کالایی شدن کامل کار در نظام سرمایه داری در واقع هدف اصلی تشکیل اتحادیه های کارگری بود.

در آغاز اتحادیه های کارگری بر اساس حرفه و شغل تشکیل می شدند، لیکن بعد ها با تحول در ساخت جامعه و اقتصاد تمایل به مرکز در آنها گسترش یافت. با تمرکز فزاینده در سرمایه صنعتی و مالی، تمرکز در سازمان اتحادیه های کارگری نیز ضرورت می یافت. طبقه ی کارگر صنعتی بدون وحدت سازمانی نمی‌توانست در مقابل قدرت سازمان یافته ی کارفرمایان ویا قدرت و دولت باستد.

اهداف داخلی اتحادیه های کارگری بهبود وضع اقتصادی اعضا، تامین معاش، افزایش دستمزدها، پیش‌گیری از بیکاری و مساعدت در زمان نیاز و اضطرار بود. در برخی موارد افزایش سطح آموزشی و فرهنگی کارگران نیز از اهداف اتحادیه ها به شمار میرفت. تامین آزادی‌های سیاسی و شرکت در فعالیت های حزبی از اهداف عمده ی این اتحادیه ها بود. سیاسیت دست مزدها خود به نحو فزاینده ای به مسئله ی سیاسی در سطح ملی تبدیل گردید.

جنبش کارگری اروپا

در اروپا به طور کلی بر خلاف آمریکا جنبش کارگری رو در روی دولت قرار گرفت. حکومت های اروپایی در آغاز کوشیدند از طریق اعمال قدرت این جنبش را سرکوب کنند. در درون این جنبشها دو جناح عمده وجود داشت. یکی جناح هوادار فعالیت قانونی و دیگری انقلابی و هوادار مبارزه.گرچه پیروزی انقلابات اروپا در ظاهر به سود جنبشهای کارگری تمام شد ولی رژیم هایی که پس از این انقلابات بر سر کار آمدند مدافع منافع طبقات مالک و سرمایه دار بودند. ناگفته نباید گذاشت که به طور کلی جنبش کارگری اروپا در مقایسه با آمریکا بیشتر درگیر مشاجرات نظری بود. در نهایت نیز جنگ جهانی اول باعث تضعیف موقتی جنبش کارگری در اروپا گردید چون در آن زمان گرایش های ناسیونالیستی در بسیاری از موارد گرایش های سوسیالیستی را تحت الشعاع قرار میداد و از همین رو وحدت جنبش کارگری اروپا آسیب دید.

وضعیت جنبش کارگری در ایران

این جنبش در ایران تحت تاثیر گسترش روابط با غرب در رژیمهای قجری و شاهنشاهی، پیروزی انقلاب مشروطه و به ویژه پیروزی انقلاب اکتبر در روسیه پدید آمد. نخستین جلوه های این جنبش را میتوان در سال ۱۲۸۹ مشاهده کرد که در طی آن کارگران چاپخانه های تهران اتحادیه ی کارگری تشکیل دادند و روزنامه‌ای تحت عنوان «اتفاق کارگران» منتشر کردند. پیش از انقلاب اکتبر در روسیه فعالیت سیاسی و فکری حزب سوسیال دموکرات روسیه در تحریک جنبش و آگاهی کارگران در ایران موثر بود. گروه روشنفکری همت در باکو از سال ۱۲۸۳ به بعد تشکلهایی در شهر های بزرگ ایران بوجود آورد و از حق اعتصاب و فعالیت سیاسی کارگران در ایران دفاع کرد و خواستار بهبود شرایط زیست کارگران شد. شعبه های حزب سوسیال-دموکرات به عنوان اجتماعیون- عامیون در تهران و تبریز و مشهد تشکیل شد.

پس از انقلاب اکتبر اندیشه های سوسیالیستی و کمونیستی در بین دسته ای از کارگران که علاقه مند به این گرایش ها در شوروی بودند شیوع یافت. به منظور اجرای عملی این اندیشه ها برخی از ایرانیان باکو در سال ۱۲۹۵ کمیته ی عدالت را تشکیل دادند. رهبران کمیته عبارت بودند از میرزا جعفر پیشه وری، سلطان زاده، حدر خان عمو اغلی، سلام الله جاوید و میرزا اسدالله غفار زاده. این افراد در کنگره ای در سال ۱۲۹۹ در انزلی موجودیت حزب کمونیست ایران را اعلام کردند و کارگران و دهقانان ایران را به تشکیل اتحادیه های کارگری و دهقانی و مبارزه اقتصادی و اجتماعی دعوت کردند. سلطانزاده تئوریسین این حزب بود.

در واکنش به دعوت مذکور اتحادیه کارگران چاپخانه هال تشکیل یافت و دست به فعالیت و اعتصاب زد. همچنین کارگران نانوایی ها و پارچه فروشی ها نیز اتحادیه هایی تشکیل دادند. در سال ۱۳۰۰ حدود ۱۰ اتحادیه به این شکل تشکیل شده بود ولی فعالیت آنها در زمان قوام السلطنه با محدودیت هایی مواجه شد.

این جنبشها در دهه ی ۲۰ با حمایت حزب توده به اوج خود رسید. طبقه ی کارگری ایران در آن دوره بیشتر در صنعت نفت و نساجی فعال بود. در واکنش به بسیج کارگری توسط حزب توده دولت در سال ۱۳۲۵ وزارت کار را تاسیس کرد تا با ایجاد اتحادیه های کارگری دولتی از نفوذ رو به گسترش اتحادیه های توده ای بکاهد.

بعد از کودتای مرداد ۳۲ وبا سرکوب حزب توده علاقه ی دولت هم به تشکل های رسمی کارگری کاهش یافت. بعد ها تمام اتحادیه های کارگری به کنترل حزب ایران نوین در آمدند. این حزب هم به عنوان داور میان کارگران و کارفرمایان عمل می کرد. در همان سالها رژیم به منظور جلب توجه کارگران جدید کوشش‌هایی کرد از جمله سهیم کردن کارگران در ۲۰ درصد از سود کارگاه‌ها، تعیین حداقل دستمزد و فروش سهام کارخانه‌ها به کارگران انجام داد. بانک دولتی رفاه کارگران هم به همین منظور ایجاد شد. در آستانه ی پیروزی انقلاب در سال ۵۷ کارگران هم به اعتصابات سیاسی دست زدند. کمیته های اعتصاب کارگری در طی انقلاب سپس به شوراهای کارگری تبدیل شدند و درصدد به دست گرفتن مدیریت کارخانه ها برآمدند و دربرخی موارد عملا اداره ی کارخانه ها را بر عهده گرفتند. شورای کارگران راه آهن از جمله شورا های اولیه بود که در طی انقلاب تشکیل شد.

منابع یادداشتهای این صفحه در سرویس اجتماعی روزنامه موجود است.

بررسی شخصیت
کاپیتان جان پرایس
قهرمان سری بازی‌های Call of duty

کاپیتان پرایس منجی بشریت !

■ محمد صادقیان

اگر شما از آن دسته گیمرهایی هستید که هرگز از سیستمتان جدا نمیشوید و به طور مداوم پای آن نشسته‌اند، حتما بیشتر بازیهای رایانه‌ای را به خوبی میشناسید. اما برای شناختن سری بازیهای call of duty اصلا نیازی نیست که حتی شما گیمر باشید ! این بازی آن‌قدر از نظر گیم پلی، گرافیک و داستان پردازی موفق بوده که کمتر نوجوان و جوانی می‌تواند ادعا کند این شاهکار را نمی‌شناسد.

سری call of duty از آن دسته بازیهایی است که به داستان پردازی و شخصیت پردازی عالی و هنرمندانه شهرت دارد. حتی برای انتخاب کردن نام شخصیتهای اصلی این بازی معیارهایی وجود دارد که در زیر دو مورد آن را توضیح مختصری می‌دهیم:

Soap: یکی از شخصیت‌های اصلی سری modern warfare، که نام او به معنای صابون است. او بارها تا یک قدمی مرگ رفته اما همیشه توانسته است مثل صابون از چنگال مرگ فرار کند. البته این شخصیت در سری سوم modern warfare در صحنه تاثیر گذاری جانش را از دست می‌دهد.

Price: شخصیت مهم و اصلی سری modern warfare و البته تاثیرگذارترین شخصیت کل سریهای call of duty می‌باشد. نام او price به معنی قیمت و ارزش است. انتخاب این نام از سوی سازندگان بازی به شکل زیرکانه‌ای صورت گرفته است، زیرا به اعتقاد آن‌ها

تمام ارزش و قیمت call of duty به کاپیتان پرایس بستگی دارد.

کسی که امروز و در این مقاله می‌خواهیم به او بپردازیم سوپ نیست ! ما قصد داریم درباره نفر دوم یعنی کاپیتان پرایس صحبت کنیم. پرایس مردی است اهل بریتانیا که سازندگان این بازی سعی داشته‌اند او را نماد یک مرد کامل غربی نشان دهند، آن‌ها کاپیتان پرایس را الگویی مناسب برای مردم سایر نقاط جهان می‌دانند.

کاپیتان پرایس یکی از سربازان نیروی ویژه و از اعضای SAS انگلستان است که در سری modern warfare حضور دارد. در modern warfare۲ پرایس در زندانی در روسیه حبس میشود که بعدها طی ماموریتی به فرماندهی بهترین دوستش سوپ مکتاویش آزاد می‌شود و رهبری Task force ۱۴۱ را به عهده می‌گیرد. ماموریت مهم او این بود که به جنگ جهانی سوم که اصلی ترین دشمن او Vladimir makarove در MW۲ شروع کرده بود، خاتمه دهد.

بعد از حوادث MW۲، پرایس و گروهش عملیاتهایی را برای دستگیری Makarov انجام دادند و طی یکی از این عملیاتهاsoap توسط Makarov در Progue کشته شد که این اتفاق خشم پرایس را برای کشتن Makarov بیشتر کرد و حتی پس از اعلام پایان جنگ هم به دنبال Makarov بود تا انتقام بهترین دوستش را از او بگیرد. سرانجام پرایس از مکان Makarov با خبر شد که در هتل یکی از کشورهای عربی بود، پرایس به همراه یکی دیگر از شخصیتهای بازی به نام یوری که توانسته بود بعد از مرگ سوپ جای او را برای پرایس پر کند، به سوی ماکاروف شتافت و طی ماموریتی توانست به او برسد. این ماموریت برای پرایس به قیمت سنگینی تمام میشود، از دست دادن یکی دیگر از سربازانش یعنی یوری.

CALL OF DUTY
Capitan Price
2003 - Call of Duty
2005 - Call of Duty 2
2007 - Call of Duty 4 Modern Warfare
2009 - Call of Duty 6 Modern Warfare 2

در نهایت‌هم پرایس سراسر کینه با به دار آویختن ماکاروف انتقام دوستانش را از او گرفت.

پرایس در واقع یک منجی است ! منجی قدرتمندی که از غرب ظهور کرده و قصد نجات دنیا را دارد. پرایس می‌خواهد دنیا را از دست شیاطین تروریستی نجات دهد که در این بازی غالبا مسلمانان و شرقی‌ها نشان داده شده‌اند!

پرایس ظاهری متناسب با فرهنگ غرب دارد. معمولا در گوشه لب او یک سیگار کوبایی روشن است و همیشه از یک کلاه معروف به نام Boonie استفاده می‌کند. لازم به ذکر است که این کلاه اکثرا در غرب و بر سر شکارچیان دیده میشود. همچنین، این کلاه در سال ۱۹۶۷ مورد استفاده ارتش آمریکا قرار می‌گرفت و کاپیتان پرایس هم از این حیث مستثنی نیست. پرایس مردی است مقاوم، کسی که بارها شاهد مرگ نزدیک‌ترین دوستانش بوده و بارها توانسته از چنگال مرگ فرار کند. او کسی است که فقط برای یک هدف نفس می‌کشد، انتقام و نجات دنیا و در این راه خیلی‌ها جانشان را فدای پرایس میکنند. به احتمال زیاد در کشتن ماکاروف پرایس انگیزه‌های شخصی زیادی داشته است. ماکاروف بارها پرایس را به دردسر انداخته و تمام دوستانش را نابود کرده است. پرایس ماکاروف را با کینه می‌کشد و در کشتن او فقط به فکر انتقام است. شاید زمانی که پرایس در حال کشتن ماکاروف بود اصلا به نجات دادن دنیا و مردمانش فکر نمی‌کرد و فقط به طور دیوانه واری قصد انتقام گرفتن داشت.

پرایس یک اسطوره نیست، او یک قهرمان ملی هم نیست. او یک منجی از سوی غرب است، کسی که به ظاهر میخواهد دنیا را نجات دهد اما او فقط به انتقام فکر می‌کند.

اسطوره سازی در بازیهای غربی، امری جدید و اتفاقی نیست، همان‌طور که این موضوع، آخرین باز نیز نخواهد بود. در مطالب بعدی بازی‌های جایگزین با همین فضای گرافیکی و شخصیت سازی معرفی خواهند شد.